

دوستی کودکان



به آنها فرصت کافی بدهید؛ زیرا برقراری پیوند دوباره نیاز به زمان کافی دارد. در برخی موارد، یکی از کودکان به دیگری ضربه وارد کرده و فرار می‌کند. در این گونه موارد، واکنشهای خود را تغییر دهید؛ به طور مثال بار اول وقت بیشتری با کودک آسیب دیده یا مجروح صرف کنید و سپس به سوی فرد دیگر بروید. بار دوم فقط به کودک آسیب دیده توجه کنید. هر دو کودک به کمک شما نیازمندند. کودکی که ضربه را وارد کرده احساس پشیمانی می‌کند، او فرد بی مسئولیتی نیست بلکه نتوانسته احساس خود را بیان کند و کنترل خود را از دست داده است.

اغلب کودکان یکدیگر را دوست دارند و به طور طبیعی به سوی هم کشیده می‌شوند. اگر والدین به موضوع‌هایی که دوستی فرزندان را پایدار و مستحکم تر می‌کند توجه داشته باشند، روابط دوستانه بین فرزندان تداوم خواهد یافت. بچه‌ها همیشه به دنبال بهانه می‌گردند تا بتوانند احساسات درونی خود را بیرون بریزند، به طور مثال هنگامی که بستنی می‌خورند اگر فرزند دیگر یک قاشق بیشتر بستنی بخورد، درگیری شروع می‌شود و از این طریق احساس حسادت، نیاز، درماندگی و عدم پذیرش از سوی آنها بروز می‌گردد. زمانی که والدین گریه، بدخلقی و خشم فرزند خود را تحمل کنند و با حوصله به حرف‌های او گوش کنند، به اشتباه خود پی می‌برند. "گوش دادن به سخنان کودکان آسیب دیدگی روحی آنها را ترمیم می‌کند و روابط موجود را محکمتر می‌سازد."



تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۹۲۱۵۶
شماره: ۰۲۱ - ۸۸۸۹۳۵۷۱۱
سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۳۹۹۲
ایمیل: info@piho.ir

WWW.PIHO.IR

دوستی کودکان

همه‌ی والدین امیدوارند که فرزندان‌شان به یکدیگر عشق ورزیده و احترام بگذارند، یا حداقل از آنها انتظار دارند که همبازی خوبی برای یکدیگر باشند و رفاقت و سازگاری داشته باشند. با وجود این، سر و صداها و برخوردهای بین فرزندان تنش‌های زیادی در خانه ایجاد می‌کند و پدر و مادر را در مانده می‌سازد. اما چه کنیم تا فرزندانمان یکدیگر را دوست بدارند، همان قدر که مادوست‌شان داریم؟ و چگونه می‌توان کمی صلح و آرامش به فضای خانه هدیه کرد؟

نکات مهمی در باره روابط بین خواهرها و برادرها وجود دارد، از جمله:

- ۱- هر یک از فرزندان به طور طبیعی به خواهر یا برادر خود عشق می‌ورزند. آنها می‌خواهند که دوست بدارند و دوست داشته شوند.
- ۲- همه فرزندان نیازمند توجه و آغوش گرم والدین خود هستند. توجه مستقیم و اندیشیدن به نیازها و خواسته‌های آنان و در دسترس بودن والدین از مهمترین نیازهای کودکان به شمار می‌آیند.
- ۳- زمانی که والدین به نیازهای مهم کودکان توجه نکنند، آنها به آسیب‌دیدگی روحی دچار می‌شوند که به صورت ناامیدی و بی‌اعتنایی بروز می‌کند.
- ۴- در بیشتر موارد، فرزندان، احساسات خود را پنهان می‌کنند؛ زیرا کسی در اطراف و نزدیکی آنان وجود ندارد تا شنونده گفته‌های آنان باشد و از احساسات نهفته آنها با خبر شود.
- ۵- زمانی که والدین به فرزند دیگر توجه می‌کنند یا اینکه با دوست خود به گفتگو مشغولند، احساسات کودک آسیب دیده تحریک می‌شود. او بیش از پیش نسبت به توجه والدین احساس نیاز می‌کند، نیازی فوری و اضطراری که باید به آن پاسخ داد.
- ۶- کودکی که نسبت به توجه والدین خود احساس نیاز می‌کند، به طور طبیعی ولی در شرایطی دور از انتظار والدین احساس درونی و نهفته خود را آشکار می‌سازد. احساساتی که به شکل گریه کردن، خندیدن، بدخلقی، عرق کردن، لرزیدن، دعوا کردن بروز می‌کند و به منظور جلب توجه و رضایت پدر و مادر آشکار می‌شود. این رفتارها ادامه می‌یابد تا عملکرد والدین متوقف شود و توجه آنها به سوی فرزندشان معطوف گردد.
- ۷- شنیدن حرف‌های فرزندان بدون قضاوت کردن راه مناسبی است که به فرزندان کمک می‌کند تا بتوانند فشار روانی موجود را بر طرف سازند.
- ۸- پس از یک گریه طولانی، کودک می‌داند که جایگاه مطمئنی برای عشق ورزیدن در انتظار اوست و همه اطرافیان از اضطراب و نگرانی حاصل از فشار روانی‌ای که او را آزار می‌دهد، باخبر شده‌اند.

– مداخله کردن در درگیریهای کودکان ممکن است آسیب‌دیدگی را بیشتر کند. در این هنگام به فرصت کافی نیاز داریم تا گفته‌های آنان را بشنویم و در فرصتی مناسب احساسات خود را بیان کنیم

توجه به این مطالب به والدین کمک می‌کند تا هنگام درگیری فرزندان برخورد مناسبی داشته باشند. بیشتر کودکان نسبت به فرزند دیگر احساس حسادت و خشم دارند. اما هرگز احساسات کودک به این دو محدود نمی‌شود، اگر چه از نظر پدر و مادر، شاخص‌ترین احساسات کودک به حساب می‌آیند. فرزندان ما زمان زیادی را برای بازی کردن و همکاری با یکدیگر صرف می‌کنند، در حالی که در همین زمان که آنها رفتاری دوستانه با یکدیگر دارند، ما مشغول شستن، پختن، نظافت کردن و پرداختن به کارهای روزانه هستیم.

بهترین توصیه‌ها هنگام درگیری خواهران و برادران:

اگر برای هر یک از فرزندان زمانی مناسب صرف کنیم و شنونده اظهارات و احساسات آنها باشیم، احساس آنها درباره توجه ما به آنها بدون خدشه می‌ماند و مطمئن هستند که برای والدین خود اهمیت دارند. با دقت و هوشیاری مداخله کنید یا حداقل پس از ۵ دقیقه اول در صحنه حاضر شوید. حضور به موقع شما در صحنه درگیری، کمک می‌کند تا بتوانید به مسئله پی ببرید و مانع عصبانیت فرزندان و صدمه زدن یا اهانت کردن آنها به هم بشوید. پیش از شروع و ادامه یافتن درگیری، راحت تر می‌توان اضطراب و ناراحتی موجود را برطرف ساخت. اگر نتوانستید به موقع حاضر شوید از فرزندان عذرخواهی کنید: "متأسفم از این که نتوانستم به موقع حاضر شوم و از بروز حوادث ناراحت کننده جلوگیری کنم. به من بگویید چه اتفاقی افتاده است؟"

فرزندان ما پس از درگیری می‌توانند به راحتی رفتاری دوستانه با یکدیگر داشته باشند، البته در صورتی که مورد سرزنش قرار نگیرند. اگر والدین بتوانند در خانواده به طور منصفانه رفتار کنند و مسئولیت‌ها را برعهده بگیرند، فرزندان می‌توانند احساسات درونی خود را بهتر ابراز کنند و از آسیب دیدگی‌های روحی در امان بمانند. به آرامی و نرمی با آنها گفت و گو کنید. به نوبت از هر یک از آنها بپرسید که چه اتفاقی افتاده و به سخنان هر دو با دقت گوش دهید. بیان کردن احساسات درونی مهمترین بخش درگیری است.

